



جلسه ۳۵

دوره هشتم تقنینیه

صورت مشروح

# مذاکرات مجلس

( بدون مذاکرات قبل از دستور )

جلسه یکشنبه ۶ تیر ماه ۱۳۱۰ - یازدهم صفر ۱۳۵۰

قیمت اشتراك سالیانه ۱۲۰ تومان  
داخله ۶۰ تومان  
خارجه ۱۲۰ تومان

نك شماره: يكقران

معاينه مجلس

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۶ تیر ماه ۱۳۱۰ هـ (۱۱ مهر ۱۳۰۹)

## نهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) تصویب دو فقره اجازت نامه
- ۳) تقدیم یک فقره لایحه از طرف رئیس کل صناعت
- ۴) تقدیم یک فقره لایحه از طرف معاون وزارت داخله
- ۵) تقدیم دو فقره لایحه از طرف وزیر مالیه
- ۶) طرح و تصویب لایحه اجازت نامت و ابرای مبلدی
- ۷) تقدیم لایحه تعیین تکلیف اجناس باقی مانده در گمرک از طرف رئیس کل تجارت و تصویب آن
- ۸) تقدیم دو فقره لایحه از طرف وزیر مالیه
- ۹) موافق و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس سه وع ساعت قبل از ظهر برباست آقای داد کر تشکیل گردید

صورت مجلس روز یکشنبه سی ام خرداد ماه را آقای مؤید احمدی (مفتی) قرائت نمودند

### ۱- تصویب صورت مجلس

#### خبر شنبه ۱

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (اعتماد)  
 خیر - صورت مجلس تصویب شد  
 ۲- تصویب دو فقره اجازت نامه  
 رئیس - آقای وثوق  
 (آقای وثوق) خیر شنبه اول را راجع بنامیندگی  
 آقای اسمعیل خان قشقایی بشرح ذیل قرائت نمودند

این عین مذاکرات مشروح سی و پنجمین جلسه از دوره هشتم آئینیه. (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۹)  
 دایرة تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غالبین جلسه قبل که ضمن صورت مجلس خوانده شده است: غائبین با اجازه آقایان: لئونوواش - اسری - لورکا - هراقی - آنتیانی - ارباب کبکسر و - حاج تقي وهاب زاده - چاچی - تربیت - دکتر لقمان - میرزا محمدجان و کولی - علی - حبیبی - جادوی - پرویز فردی - پرسی آقا وهاب زاده - آذین جان یولعلی  
 غائبین بی اجازه - آقایان: حاج میرزا سعیدالله امین - حاج محمد رضا پاشی - اعظم زنگه - عوادالدین خان دیا - آقوزا مهری - یان ماکر - موثر

دیر آمدگان با اجازه آقایان: لئونوواش - اسری  
 دیر آمدگی بی اجازه آقای سعیدی غمراسانی

تفتیشیه انتخابات شده اند و چون در مورد دعوی مقرر هیچ کس شکایت  
و اعتراضی نرسیده لذا مشوره اول با اکثریت آراء بصحت نامزدگی  
آقای... خان قفقائی را تصدیق و بانگ خبر آن تقدیم میدارد  
شبهه اول مقترعه ۳۰ خرداد ماه ۱۳۱۰ بخیر مزاج فروق  
موافقت نموده و بانگ اوردن آن تقدیم مجلس شورای ملی میشود  
مجلس - موافقت با بصحت انتخاب آقای اسمعیل خان  
فققائی قیام فرماید

( اکثر قیام نمودند )

مجلس - تصویب شد. آقای مؤید احمدی

آقای مؤید احمدی (خبر) خبر شده دوم راجع بنماینده  
دیروز ابراهیم خان قوام را بقریب ذیل قرأت نمودند  
خبر شبیه ۲

شرح جریان انتخابات دوره هفتم تفتیشیه مجلس  
شورای ملی در شهر شیراز و توابع بقرابت که قبلاً  
بمرض مجلس مقدس رسیده. انتخابات مزبوره در تاریخ  
دوم فروردین ۱۳۱۰ خرداد ماه و در مدت قانونی  
۲۸۵۶ روزه بقره نوبه توزیع و اخذ رأی شده و در نتیجه  
آقای میرزا ابراهیم خان قوام با اکثریت ۳۶۹۷ رأی  
بنماینده کی مجلس شورای ملی منتخب شبیه ششم بصحت نماینده کی  
موظف را تصدیق و خبر آن را تقدیم میدارد  
شبهه ششم مقترعه ۳۰ خرداد ماه ۱۳۱۰ در جلسه  
یکشنبه ۶ تیر ۱۳۱۰ عن خبر شبیه ۶ را شبیه در  
تصویب نمودند

مجلس - آقایانیکه بصحت انتخاب آقای میرزا ابراهیم خان  
قوام موافقت قیام فرمایند ( اغلب رخواستند ) تصویب شد.  
۴ - تقدیم بدو فقره لایحه از طرف رئیس کل صناعت  
مجلس آقای فرخ

فرخ ( رئیس کل صناعت ) - بطوریکه خاطر عزم  
اقیان مسجنتر است درینجهاد قبل دو نفر متخصص برای  
معاذن - بانگ رئیس مهندس ممدن و بکنفر شبیهست استخدام  
شده است و بانگ فرم نقشه بر دار برای معاذن که  
باسلاح ( توپوگراف ) باشد محتاج هشتم این است که  
لایحه ای را تقدیم میکند و از حضور مبارک اقایان مستغیر  
که در توضیح تسریع شود زیرا که خیلی احتیاج داریم

۴ - تقدیم بدو فقره لایحه از طرف معاون وزارت داخله  
مجلس آقای مایون وزارت داخله  
معاون وزارت داخله ( آقای محمد تفتیش

اسفندیاری ) لایحه ایست برای تخصیص مبالغی از محل  
سرفه جزئی اموال نظایم برای باره متخارج ضروری و  
احتیاجات مجلس ها تقدیم میکند .

۵ - تقدیم دو فقره لایحه از طرف وزیر مالیه  
مجلس - آقای وزیر مالیه

وزیر مالیه - بنده دو لایحه دارم که تقدیم عیار  
میکند یکی راجع باغبانریست که برای دفع سن و خارج  
مربوطه بمیزی با اجرای قانون متمم میزی است و چون  
این مسأله دفع سن و اعتبارش خیلی فوریت دارد لذا  
هم کرده ام که اقایان تصویب فوریتش را بفرمایند که  
در همین جلسه مطرح شود یکی هم راجع بان باغ دولت  
تیه است این قانونی که از مجلس گذشت و ما آوریم  
بعد ها وقت شده و معلوم شده است که مختصر قسمی دارد  
این لایحه ممکن است بکمیسیون رجوع شود و در نتیجه  
اقایان وقت بفرمایند کالان تصویب شود و بعد بمیدانجلس  
۶ - طرح و تصویب لایحه اعتبار دفع سن  
و اجرای متمم قانون مالی  
ساحت مختر مجار شورای ملی

چون موقع نظایم بودجه هذالسنه مملکتی در عیادن  
پیش بینی شده عمی برای مصارف مربوطه بمیزی بود  
اعتباری چه این خرج در آن موقع منظور نگردیده  
و تهیه اعتبار مذكور موکول بموقع مناسبتی گردید  
بعلاوه موضوع دفع سن هم که معمول قسطنتی از نظر  
مملکت خودصاً ورامین و اسفهان را تهدید می نمود  
خسارت نموده کل ضرورت و فوریت را دارد و این اقدام نیز  
منسازم و خود اعتبار کامل میباشد اکنون که از این  
منافع سهام دولت از نقط جنوب علاوه بر حق لایتنان  
که خارج از عیادات مربوطه بودجه مملکتی است مبالغی  
عاید گردیده و تحصیل اعتبار برای دو فقره خرج لازم  
مذکور در فوق از حیث عدم موازنه جمع و خرج  
مملکتی موجب نگرانی نیست ساده واحد مورد

پیشنهاد و با قید فوریت تصویب آن را ننما مینماید ؛  
ماده واحده - مبلغ یکصد و سی و پنج هزار تومان  
از محل عیادات ۱۳۱۰ مملکتی ( باسنتنای حق لایتنان  
بخیر جنوب ) برای مصارف مربوطه بمیزی و اجرای  
قانون مصوب ۱۲ آبان ماه ۱۳۰۹ راجع بمتمن قانون  
میزی و مصارف راجعه بدفع سن بزوارت مالیه اعتبار  
فوق العاده داده میشود که در ظرف دوره عمل ۱۳۱۰  
وارد استفاده قرار دهد .

مجلس - فوریت مطرح است آقای طباطبائی دیبا  
طباطبائی دیبا - بنده درماده واحده عرض دارم  
مجلس - آقای قاضی  
قاضی - بنده دراصل ماده عرض دارم  
مجلس - در فوریت مخالفتی نیست ؛ ( گفته شد - خبر )  
و آقایان با فوریت قیام فرمایند .

مجلس - تصویب شد. آقای دیبا .  
طباطبائی دیبا - بنده موافق هفتم البته برای اجرای  
این متمم بمیزی يك مبلغی را دولت صلاح دانسته اند  
يك مبلغی کافی هم لازم است و همچنین برای دفع سن  
يك در مقدمه این لایحه عمل این خرج نوشته شده اما  
فوق ماده واحده نوشته نشده بنده عقیده ام این است  
که اگر در ماده واحده هم نوشته شود عیب ندارد .

وزیر مالیه - فکر این کار شده است یعنی وقتیکه  
روته شد از تمام عواید مملکتی باسنتنای حق لایتنان  
تف هرچه که بقیادانه همایش جزوعیادات مملکتی است  
که از این میشود استفاده کرد و محل آن را هم که میفرمایند  
بر مقدمه لایحه اشاره شده است آن هم دلیل همان است  
نویس بمجلس میجو استیم که از اینده محل این چیزیکه  
ناید شده است مورد جزو عواید مملکتی آنوقت از محل  
کی عیادات مملکتی این خرج میشود .

مجلس - آقای قاضی  
قاضی - نسبت باصل اعتبار که منظور شده مخالفتی  
ندارم ولی چون بیکسرت لایحه مربوطه بمیزی است

میباشد که این را هم بهم بزنند و این اداره عرضی و مطول  
که برای سه چهار ماهی مالیات ارضی است اصلاح و جمع  
خرش با هم تکلیف نمیکند بنده خاترم مدک بدار  
که جمع و خرش باهم تکلیف نکنند ولی چون هنوز موقع  
فرسیده میباشم صلاحیت نباشد بنیود هم زودلی باید تصدیق  
بفرمایند که يك بلوکی که بمیزی شده و مالیات هم داده  
اند مطابق قانون تازه سال باید بدانند که این مالیات  
را بدهند و دیگر سال بعد اداره مالیه تواند يك تعبیراتی  
بکند و این اشکالاتی برای مردم فراهم کند

**ولیر مالیه** (آقای تقي زاده) البته از تذکری که  
آقای قاضی دادند و مربوط بکارهایی است که باید اصلاح  
شود خیلی متوجه بودم باید هم گفت که این کارها را اصلاح  
کنیم ولی چون می بینم که آقایان دیگر هم بنسبت این  
لفظ بمیزی که در اینجا ذکر شده است ممکن است در اصل  
مطالبی را جمع بخود بمیزی عنوان میکنند یا اینکه در يك  
موضوع هم موافقت میخواستن عرض کنم که یکی دوکار  
بقریبی در این مملکت هست که از نوع همین کارهایی است  
که فرمودند یکی خالصجات احتمالی است که الله اعلم  
طولی نمیکند که بکمریبه تصفیه میشود یکی دیگر هم کار  
بمیزی بود که شروع کرده بودند و اما تمام مسأله بود  
حالا این مردم قانون بمیزی است و اما بدوادم که این هم  
يك باره تصفیه شود و تا این کار تصفیه نشود دالماً از این  
امر چیزها هست و بنده عرض نمیکند که  
ادارات مالیه در بعضی محل ها يك چیزی که  
بنظرشان مسمی آید همه اش صحیح است و ناحق  
نمیگویند خیر البته يك قسمتهائی هست مثل این  
که فلان مالیات را مثلا در فلان موعد ممکن است اصلاح  
بشکوبد و این تذکرات را که خیلی مطلوب است استدعا  
میکند بطور محسوسه به بنده بفرمایند عرض میکنم  
چرا در مجلس فرمودند خیر خیلی هم خوب بود که  
فرمودند ولیکن عرض میکنم که ممکن بود بخود بنده  
بفرمایند بنده هم البته تعجب نمیکردم و ممکن است در  
اصلاح آن جدید بعمل آید ولی حالا تقاضا میکنم در  
این قسمت چندانی عرض کردم چون این مسأله راجع

بذخ سن است و فقط قسمتی هم برای مصارف اجراء  
متمم قانون بمیزی است مجامع این کار ختم شود و هر چه  
چیزی که راجع به بمیزی و اصلاحات آن آقایان فکر  
بدهند چه خصوصی و چه در مجلس بنده اقدام بکنم  
و تعجب میکنم که تا آن اندازه که ممکن است  
اصلاح شود

**ولیس - آقای ملک**

**ملک مدلی** - عرض میکنم بنده هم در تعجب  
بیانات آقایان میخواستم عرضی بکنم موقعی که وزیر  
متمم قانون بمیزی را از مجلس گذرانیدم در اینجا يك  
پیش بینی کردم که در يك مدت بمیزی وزارتنامه يك  
است که به بمیزی هائی که اعتراض دارد اعتراض خود  
را بکند و خانه بدهد و این عمل سبب شد که اداره  
عایدات دستور داد همه قریه و قریه های که بمیزی اند  
شده بود و مردم باید با یک اعتراضاتی دادند حالا ملاکین مالی  
آن قانون اظهارنامه هائی تهیه میکنند و میدهند ولی تکلیف  
معلوم نیست بعقد بنده این اسباب زحمت است هم  
برای مردم هم تولید سوء استفاده برای مأمورین میکند چون  
آقای وزیر مالیه را همه مطمئنم که نیتشان این است  
که وزارت مالیه را اصلاح کنند و این منافقات و عدولتی  
که بالاخره باعث سوء اخلاق مأمورین میشود امرأ  
مرتفع کرده باشند بنده خواستم در این موقع که لایحه  
مربوط بخرج بمیزی مطرح بود این عرض را بکنم  
که يك قسمتی بگردم که این دوره بمیزی در این  
مملکت تمام دولتته هر جا باید بمیزی کرد بکنند هم  
باید اظهارنامه ها را قبول کنند قولی کردند بنده بخیر  
عرض کنم که مأمورین مالیه همه قصد سوء دارند ولی  
میخواهم عرض کنم در يك تقاضی هست که استخوان  
این نمرس بمیزی سبب يك سوء استفاده هائی میشود  
که برخلاف منظور شخص خودشان است زیرا بشخص  
حزرت مستطعنا بعلی نهایت میل را دارید که که يك جریان  
خوبی در مالیه حکمفرما باشد و وضعیت هم بنده

است ولی این قضیه بمیزی را همه ان اطلاع دارم  
که همانا دست مأمورین داده و اسباب زحمت مردم شده  
و مردم هم سندی در دست ندارند که ببینند و بگویند  
برطبق این مدرک و این سند این مأمور آمده است و با  
اعترافش کرده و بعد ما مجبور شدیم که يك وضعیت  
دیگری با اورقار کنیم این است که بنده خواستم در این  
مورد عرض کنم که به با ابشارت بدهند و عده بدهند که قاضی  
وقت بمیزی دولت خانه پیدا میکند و مردم از زحمت  
راحت میشوند.

**ولیر مالیه** - (آقای تقي زاده) راجع به قسمت اول  
فرمایشات نماینده محترم عرض میکنم که آنچه بنده  
اطلاع دارم مأموله که شده است در حدود همان اظهار نامه ها  
است و اگر تأخیری در کار بشود آن تأخیر فعلاً شاید  
بیشتر مالیه باشد ولی بیشتر مؤیدان نخواهد بود (بالاخره  
فرق نمیکند شتر دولت را هم باید چلوگری کنیم)  
لذا باید کاری کنیم که تأخیر نشود ولی هر چه در  
حدود امکان بعمل آید البته زودتر این کار را میکنیم  
البته ما میزینن قریه و اهل خیره صحیح کتر داریم  
اما راجع به قسمت دوم فرمایشاتشان که ممکن است  
سوء استفاده شود یکی از جهات همین مطلب بود که  
سوء استفاده نشود برای اینکه ملاحظه بفرمائید اگر  
همه را بدهد مأمورین عمل بگذاریم که هر جا را که  
میخواهد اعتراف بدهد و هر جا را نمیخواهد اعتراف  
پس بگیرد و آنوقت بیشتر احتمال نظر سوء میشود ولی  
واقعیه با خیره این کار انجام شود البته کار را با مؤدی  
با مالک ختم میکند و سعی میکنند که هر چه زودتر  
این کار عمل شود و قطعی شود ولی اینکه ممکن است  
اگر اینها اختیاراتی داشته باشند يك سوء استفاده هائی  
بکنند عرض میکنم باید يك چیزی بفرمائید که چاره  
دانش باشد اگر اختیارات تمام مأمورین جزو و بگذاریم

البته خیلی مشکل است و ممکن است يك جا درست  
بمیزی کنند و يك جا بر عکس و همین جهت است که  
ما هر چه توانستیم از اینجا يك مأمورین عمالم تری  
بهمه جا رسانده ایم که در تحت نظر اینها این کار  
انجام شود.

**ولیس - آقای روسی**

**روسی** - عرض میکنم بنده با اصل موضوع مخالفی  
ندارم و البته دولت بایستی منابع مالی و عایدات مملکتی را  
تفحص بدهد و صورت داشته باشد و این لازم بشود  
نیست ولی همینطور که آقای قاضی فرمودند بنده هم  
عرض میکنم که بالاخره يك روزی در مملکت خواهد  
آمد که مالیات ارضی مافی شود زیرا حقاً هم باید  
دلیلی شود چون عوالات را باید مالیات بدهد نه آب و  
هوا و زمین. عرض دیگر بنده راجع باین لایحه این بود  
که صد و سی و پنج هزار تومان اعتبار در سنه ۱۳۱۰  
برای دفع مبلغ گذارده شده است سن و مبلغ هر دو  
از نقطه نظر اضرار بحاصل بکشاند ممکن است این را  
هم از همان محل خرج نمیکردند و از بودجه اسسال  
دوباره ۲۵ هزار تومان خرج مبلغ نداده و لایحه  
چدا کانه نیآوردند و لا اقل اگر هم نیآوردند اینطور  
نیآوردند که يك خرج علیحده بکنند.

**ولیر مالیه** عرض کنم که اعتبار دفع مبلغ صد و  
سی و پنج هزار تومان نبوده و صد هزار تومان بوده است  
و کل سعی و مجاهدت را داریم که در جاهایکه لازم است  
مصرف شود و اگر هم چیزی از آن محل زیاد نیساید  
میرود روی عایدات مملکتی از این محل هم هر چه  
خرج بشود از عایدات مملکتی خرج میشود اما قسمت  
دوم ما توانستیم که سن و مبلغ را قانی کنیم و قانون  
بما این اجازه را نداده است

رئیس - رأی میگیریم بپاره واحد و موافقین ورقه

منوب خواهند داد

۱۸۱ رأی - آقای پهل ۲۳ ورقه سفید تعداد شد

رئیس - بده حصار در موقع اعلام رأی ۹۱ با کثرت

۲۲ رأی تصویب شد

۷۱ - تقابله لایحه تعیین تکلیف اجناس با لایحه در

گمرک اطراف رئیس کل تجارت و تصویب آن

پاسایی - (رئیس کل تجارت) بطوریکه قبلاً در جلسه

شخصی بمرض انجمن رسامه برای اجرای قانون انحصار

تجارت خارجی از تقابله نظر اینکه تیار تر است و رفتار

خودش را (غالباً از روی بی اطلاعی یا جهات دیگر) با

قانون تطبیق کنند بمقداری مال التجاره وارد گمرک سرحد

شده است و بموجب قانون نمیشود اجازه ورود به بلعکرا

در باره آنها صادر کرد و در عین حال يك عده از تجار و

استفاده میکردند و اسامه قانچاق تهیه کردند و خلاصه

بافزون مقاومت کردند و اعتدالی بقررات قانون نکردند

و شاید مقدار اجناس منتهای با آنها مجمل زیاد باشد و

افزایش هم کم نایز را کرده اند برای آنها هم البته و بیایستی

يك تکلیفی همین کرد این است که يك لایحه تقسیم میکنم

که دارای هر دو جنبه است وهم استدعا میکنم که مجلس

هم چنین ارفاقت را سبب با کثر از تجاری که بی اطلاع

بودند در تقابله این قانون نشان بدهد و هم جنبه

غشیش را سبب بان کسایکه با قانون مذهب و مجلس مخالف

کرده اند و استدعا میکنم که باینده و فوریت تصویب فرمایند و

ایندواره که با يك نظر - اعمدی نمانی خواهند فرمود (صحیح است)

ساحت محترم مجلس شورای ملی - چون برای

نهیل در کار تجار و کسانی که نخواستند تخلف از

قانون وزارت در تنبیس اسامه و منم آن کرده باشند

اهتمام نپوشد اند که اعمال خود را منطبق بقانون نمیکردند

نمایند ولی چهچانی که پیشتر از جمله اقتدار آنها خارج

بوده کمالاً مطابق شده و با تصادف بقانون انحصار

تجارت خارجی برای ورود مال التجاره ها موجود

در گمرکخانه ها مشکلائی ایجاد شده راه حلی پیدا کرد

و از طرف دیگر عده از تجار برخلاف قانون وزارت

در اسامه و برخلاف قانون انحصار تجارت مقداری مال

التجاره بمرحمت وارد گمرک نمودند که البته دادن

اجازه خروج از گمرک غیرممکن است و مساعدتی

ویش از آنچه که مطابق این لایحه بعمل می آید مورد

بندارد لذا در باب اینکه مال التجاره نیز باید تصویب

مقتضی اتخاذ شود اگر چه مطابق مقررات گمرکی

اجناسی که در گمرک باقی میماند و در ظرف مدت معینی

خارج نمی شود باید بمرض حراج گذارده شود ولی در

ورد اجناس مجموعه آنقدر ذکر این ترتیب باید شد

زیرا که در مورد اجناس مذکور به خاك ایران ممنوع بود

و اگر حراج شود فقراً خریدار در حراج حق خواهد

داشت آنها را به مملکت وارد نماید در صورتیکه ورود

آنها قانوناً به مملکت ممنوع است و برای اینکه تجار

تصور نکنند که ارتکاب اعمال مخالف قانون انحصار

تجارت با سهل انگاری لغتی می شود لذا در این لایحه

تکلیف اینکه اجناس هم همین کرده اند

نظر بمراب هر دو ماده واحد و فیله را پیشنهاد و قاضی

تصویب آید و فوریت دارد:

بده واحد - از تاریخ تصویب این قانون اندازه کل

تجارت مجاز است نسبت بمال التجاره های که مشمول

یکي از قسمت ذیل است و تا آخر خرداد ۱۳۱۰

بمقتضی تقابله ایران حمل و تا آخر خرداد ۱۳۱۰ وارد

گمرکخانه شده و نیز تا آخر خرداد ۱۳۱۰ برای ورود

آنها درخواست جواز شده باشد در مقابل تصدیق صدور

جواز ورود بدهد و بقیه مال التجاره های که ورود آنها

ممنوع بوده و مشمول یکی از فقرات ذیل نیستند در

موردیکه در ظرف یکماه پس از تاریخ تصویب این قانون

صاحبان آنها آن اجناس را از گمرکخانه خاك و آهای

ساحلی ایران خارج نکرده جمعت دولت ضبط نمایند

الف - مال التجاره های که تصویب منم قانون انحصار

تجارت خارجی ورود آنها ممنوع بوده است.

ب - مال التجاره های که مطابق ماده ۶ منم قانون

تنبیس اسامه خارجی ورود آنها موکول باجازه کمیسیون

تنبیس اسامه بوده و صاحبان آن اجناس با تعتمت امقند

۱۳۰۹ تقاضای اجازه خرید اسامه از کمیسیون مزبور

نموده و در درخواست خود شرحاً ذکر کرده باشند.

ک - اسامه برای وارد کردن اجناس مذکوره است و از

طرف کمیسیون هم اجازه ورود اجناس مزبور و یا

لااقل اجازه تحصیل اسامه با آنها داده شده باشد.

رئیس - فوریت مطرح است. آقای طهرانچی

طهرانچی - عرض کنم بنده متقدم در این قانون

مها نظر که فرمودند آن شخصاً که سوء استفاده

کرده اند و عمل نکرده اند قانون و يك اشخاصی که عمل

کرده اند تقریباً در حکم وارد می شوند و این باید

در عمل تصویب شود که آیا این ارفاق باید در حق آنها

بنود یا نشود بنابراین بهتر این است که بکمیسیون راجعه

شود و معاملات بیشتری در اطراف آن بنود تا فوریت

در مجلس مطرح شود و بدون اینکه بدانم چه مقدار و

اصل عمل چیست و چه فوائد و چه نفعی دارد نمیشود.

دکتر طاهری - چون توفیق اجناس در گمرک همکن

است که اسباب خرابی آنها بشود و مدتی است که

ولایت این اشکالات قانونی آن اجناس آنجا مانده

است بهتر این است موافقت شود که این قانون مطرح

شود. اگر با هست اجازه داده شود فرمایند اجازه

داده شود وارد شود اگر هم باید برگرداند زودتر

تکلیفش ماوم شود این است که برای فوریتش همین

چیت کافی است خوب است نمایند محترم هم موافقت

فرمایند و اگر اشکالی هست دماصل لایحه فرمایند.

رئیس - آقایان که با فوریت اول موافقت قیام فرمایند

(اگر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. فوریت لایه مطرح است.

اشکالی نیست (گفته شد - خیر) موافقین با فوریت لایه

هم قیام فرمایند.

(اغلب قیام نبردند)

رئیس - تصویب شد. ماده واحد مطرح است

آقای دولت

و توفیق - موافقت

رئیس - آقای طهرانچی

طهرانچی - عرض کنم که بطوری که در خود لایحه

اشکال فرمودند این ارفاق از جهتی شده است که

بعضی ها مهاجرند که آقای رئیس تجارت بان فرمودند

و بعضی عدم آشنائی بقانون نظمی کرده اند از قانون

ولایت یعنی بعضیها فرمودند بواسطه اینکه قانچاق

کرده اند و برخلاف مقررات قانون سابق عمل کرده اند

این ارفاق نمی شود. عرض کنم که اسامه این اصل مسلم

است که آزاد بودن تجارت بهتر است از محدود بودن

آن این اصل مسلم است و لایحه دنیا و اینک اساساً

ممنوع شده است و اینکه محدود شده یعنی تحت يك

قانونی تجارت مانده اند) و رجب يك تصدیق میباشد

این اجناس که قبلاً وارد شده است و در گمرک

است دو حال دارد یا جزو ممنوعه است یا جزو مجاز

است قسمت مجاز که البته مجاز بوده است و وارد

کرده اند در مقابل تصدیق صدور حق استخلاص هم

دارند اگر جزء اجناس ممنوعه بوده که يك جهتی

يك مصالحی آن اجناس ممنوع شده است و حتی در

وقتی که قانون میگذشت کمالاً این موضوع حلاجی

شده تا چه وقت احتیاج با اجناس موجوده باقی است و

- اسامه رأی دهندگان - آقایان: محمدعلیخان دبا - سید مرتضی توفیق - اقول - یاسانی - کازدمدی - اعتبار -
- دینتبی لردی - دینتبی. لاریجانی - اسدی - یونس آقا و هاب زاده - جردی - دولابی - طهرانی - کازدمدی - توفیق -
- موسوی - قزاقچیان - طریانی - حکمت - پندار - ارکانی - قصبعلین بیجار - برواسی - برواسی - ورجی - قنقلانی -
- محمد علی میرزا دولتشاهی - افندی - انیر حسین خان بیجار - ساکنان - ملک ارفعی - فتح الله فروری - نوری - مایری بیژوری
- ابراهیمی - دهمسراک - دکتر فیض - دهنه - شربی - مهندس - زهری - زهری - جهری - وگرنه -
- مهاذوقان آگر - فرزند فریدون - مومناندی - دکتر طاهری - انیر - امیر بیژور - سید کاظم برزی - میرزا محمد صدیق تواب -
- دکتر دلگشا - حاج میرزا محمد رفیع خان قاضی - قزاقچی - استغیاری - امیر غازی - بربرهرابی - محمد اسرار خان قنقلانی - کاکلی
- دکتر قزاقان - اسکندری - فرش - طاهرخان - مومناندی - موسوی قزاقی - جنابلی میرزا دولتشاهی - دادور - جنابلی خان
- تواب - قاضی - بربرسید محمد محیط

چه مآخذی برای آن بگیرند این بود که مآخذ گرفتند اجناسیکه ناشتم اسبقه بمقتصد مستقیم ایران حمل شده باشد تا فلان تاریخ اجازه ورود دارد. حالا اگر مآخذ خرید بوده است که همه در مقابل این قانون مساوی بوده اند یک قانونی بوده است آمده است بمجلس و گذشته است البته آن کسانی که نمیدانستند خوب مطابق واردات حمل کرده بودند حق استخراج هم باید داشته باشند، عرض کنم که راجع باشخاص هم که نمیدانستند و بعد این کار را کردند پنهانی که نمی دانستند هیچ فرقی ندارند با پنهانی که بار قاچاق نهب کرده اند این استثناء ندارد قانونیت آمده در مجلس و در تمام مملکت هم بقیه بده بده ننکس شده و همه هم اطلاع پیدا کرده اند و باید اطاعت کنند ولی البته این کار ضروری که میزند این است که آن توافقی را که منظور است ازین سیرد اگر بخوانند فریبناپذیر که در مقابل صادرات بدهد است بقیه بدهد اینها هم نمیشود حساب کرد چرا چون ما برای صادراتمان احتیاج داریم یک واردات ضروری و لازمی ما باید صادراتمان نهیم به ما و اگر چه جایگرم میخوانم وارد کنیم مطابق بدهد باشد اگر هم بنخواهند بگویند از جهت توازن صدقه وارد نمی آید چون در مقابل جواز صدور خورامی داشت اینها هم بقیه بدهد غلط است چون اینها هم قطباً ممنوع بوده است و البته محل احتیاج نبوده است و دولت دروغی که اجناس ممنوعه را همین کرده است تمام این پیشبینها را کرده است. در هر حال بنده هیچ فرقی نمی بینم در این ماده و همه بین آن کسانی که پایشی مسافران ضبط شود و اشخاصی که اجازه ورود با پنهان میدهند اینها بقیه بدهد هیچ فرقی ندارند با هم اگر پایشی اوراق شود باید بجهه بشود و الا بنده که مخالفم باین اوراق برای اینکه قانونی بوده است گذشته است همه باید تابع و مطیع اجرای آن باشند و مطابق آن رفتار کنند. به علاوه اگر این مورد است آن ناسر بدبختی هم صکته اطاعت کرده است از قانون و همان ساعتی که این قانون منتشر شده است و تصویب شده است اجناس موجوده خودش را که داشته است حمل نکرده است چرا او حالا

تواند استفاده بکند؟ فرقی نمیکند اشخاصی را بنده نشان میدهم که در خارج اجناس موجودی دارند و بواسطه همین تصویب قانون اصلاً حمل نکرده اند پس چرا درباره اشخاصی که خلاف قانون کرده اند پس وارد کرده اند این اوراق میخواند بشود و درباره آنها ننود؟

**پاساکی** - بنده اصولاً لازم میدانم بطور اجمال یک توضیحی راجع ب ماده واحده بدهم بعد جواب آقا را عرض کنم عرض می شود که قانون منم قانون احتضار تجارت چه بگوید دستور میدهم که هر مالی که اجازه ورودش میبایست در کمیسیون تحقیق اسبق گرفته شود و اجازه تحصیل اسبق هم علیحده گرفته شود اگر تازه استفاده بمقتصد مستقیم ایران حمل شده باشد و تاخر اردی بهشت رسیده باشد اجازه داده شود و گرفته نه حالا ما میخوانیم چه کنیم؟ بنخواهیم بگوئیم اگر تا دم اسبق دیرتر حمل شده است. آنرا هم ضروری هم اگر حمل شده باشد اجازه بدهیم و اگر تا آخر اردیبهشت رسیده است تا آخر خرداد هم اگر رسیده است دولت اجازه بدهد که وارد شود پس تصدیق می فرمایید که یک اوراق خیلی زیادی شده است حالا اگر جناب عالی با اوراق اصولاً مخالفید (کازرونی - بلی همین است دیگر) آن را در دشت بخت می گویم فرق است بین قاصر و مقصر، فرق است بین کسی که می خواهد با قانون مخالفت کند و بنده میباید با قانون را مثل تنگ روی دوش بگذارم پشت سر آرد. بگویم که قانون باشد، و اطاعت از قانون بکند. و با الاخره همیشه باید مراعات کنیم قانونی (ایهام یک قانونی است بنده هم شرکت داشتم شما هم شرکت داشتید و با الاخره خودمان وضع کردیم) که وضع می شود تا آنجا که آن قانون اجازه میدهد مجری بشود در حدی که مردم قسری نمی کنند و تخلف میکنند سانسکوبوشن مجازاتش در باره آنها اجرا بشود ولی اگر فلان تاجر قلیان قانون امارت سفارش داده است یک جنسی را بدهد سیر کشی و حمل قتل و تمام و ترویش که دیگر باختیار تاجر نیست آمده

است و دیرتر رسیده است و برخورد است بصوب قانون حالا شما می فرمایید جاوگیری کنیم؟ اینکه نخواستند است با قانون مخالفت کند (صبح است) اما کسانیکه پس از قانون تحقیق اسبق اسبقی ملو قاجاقی تحصیل کرده اند و رقابت یک اجناس لوکس خریدارند و اینها در سرحادات است هیچ چاره ندارد باید برگرداند باید باید بدواز یکماه ضبط شود با الاخره باید بدهد باید تصدیق فرمایید که قربانی این قانون باید بدهد تا این حد مجری بشود یک عده هم اند شونند چه عیبی ندارد؟ با الاخره در باره اقتصادی مناقض اقتصادی یک منضاتی هم پیش می آید و عده باید فدای مصلحت عامه بشوند. پس آقا مواظت فرمایید که نسبت باشخاصیکه مقصیر دانسته اند، نسبت باشخاصیکه با قانون نخواستند مخالفت کنند، نسبت باشخاصیکه می اطلاع بدهاند قانوناً اوراقی بشود. و نسبت باشخاصی که با قاچاق اسبق خارجی تحصیل کرده اند اوراق نفوذ. اما اینکه فرمودید این اجناسیکه میباید یک قسمتش مطابق قانون ممنوع بشود و یک قسمتش ممنوع نبوده بعد بوجوب این قانون ممنوع شده اگر اینها باید جای اجناس مجازی می خورد احتیاج مملکت است خواهد گرفت این را هم باید عرض کنم چنانچه ای که خردان غنور می اطلاع تجارت هستند البته اطلاع دارند که بوجوب قانون است Contingent اعلام شده است یکی راجع باشخاصی یکی راجع و یک اعلام آنچه که این لایحه اجازه میدهد که ما جواز ورود بدهیم مربوط به کنتراست سماه است مربوط به کنتراست سابقه نیست که از اول تیرماه شروع می شود. و از اول تیرماه باید وارداتمان تو کر صادراتمان باشد و صادراتی ننود اجازه ورود آن اجناس مجاز که در کنتراستهاست داده نخواهد شد پس این جوازهای ک داده می شود مربوط با تقریباً چهل میلیون ریالی است که در کنتراست سه ماهه گذشته شده است و البته شاید در حدود یک لاک دو تا شش تا حالا جواز داده شده است بدهم بتدریج جواز داده می شود و اینها همه باید تصدیق صدور یاروند بابت این سماه در صورتیکه قبلاً اینطور بوده است که

تهدیم قبول می شد و اگر بیانات اول ماده توجیه کرده باشند قید شده که پایشی همه حقیقی صدور یاروند و ارائه بدهد بابت آنچه که مائدهات وارد مملکت می کنند و بازم بنده بشما اطمینان میدهم که آنچه را که بوجوب این لایحه جواز داده خواهد شد و وارد مملکت می شود یک چیزهای لوکس و زائد و غیر ضروری نیست آن چیزهاییکه تحصیل اسبق برای آنها شده است یعنی کسانیکه برت و دودمان و دوازده تومان بطور قاچاق نهب کرده اند و بقیق اینها بوده اند که فریبند بجزای های لاکهزار و یک تریه فروشنده و پولهای قاچاقی داده اند برای آنها هم باید اوراقی قانی شد و بمقدار این اشیاء هم خیلی زیاد نیست ولی برای اینکه بجهندگی که این قانون نمی شود شوخی کرد پایشی بقیه بدهد بنده درباره آنها اتفاق نکرده و خواهش میکنم آقام مواظت فرمایند (صبح است. مذاکرات کافی است)

**رقیبی** - پیشنهادهای از آقای مؤید احمدی رسیده است فراتت میشود:

بنده پیشنهادهایمیکم در آخر ماده جمله (از کمرب خانها و آبهای ساحلی خارج نکرده اند) بیانات (از کمرب خانها و سرحادات ایران خارج نکرده اند) تبدیل شود.

**مؤید احمدی** - عرض میکنم آنچه که بنده اهدیم نظر دولت از این ماده این است که اگر در آن تاریخ این اموال را خارج کردند بنده این تسرحد خارج نکردند برنگردانند باید ضبط شود لکن بدبختها که اصلاحی است که ما به و کمرب و تجارت مال خارج شده مالی ما می گویند که کمربش را داده و خارج کرده اند از کمرب وقتی میگویند مالیرا خارج کرده یعنی کمربش را داده و وارد کرده. و همین تذکر می بود که آقای همی هم در فرا کسیون دادند ولی اینجا در لایحه عبارت اینطور نوشته شده است که از کمرب خارج نکرده از کمرب خانها و خاک خارج شود و داخل خاک ایران بشود با از سرحادات خارج شود یعنی اینطور قابل تیر است ولو با تفتن ماده برسانه آن قصد دولت را لکن بالمطابق بهتر این طور

است که نوشته شود از سرحدات ایران خارج شودد  
 سورنیکه در طرف بکماه از کمرک خانه سرحدات ایران  
 خارج نگردد تا آخر. دیگر بنه است نظر آقای مامون  
**وزیر عدلیه** - با توضیحاتی که در اینجا داده  
 شده است دیگر هیچ احتیاجی باین پیشنهاد نیست و اگر  
 هم آقا این پیشنهاد را احتیاطاً برای این دادند که ما در  
 اینجا جای هیچ سوء تفسیری باقی نگذاریم و بگوئیم که  
 مقصود این نیست که خارج بشود چنی کمرک بکنند و  
 با مصالح عادی وارد مملکت بکنند بلکه مقصود این است  
 که از کمرک و آهای ایران بیرون برند و از مملکت  
 خارج کنند (صحیح است) مقصود این است بنابراین  
 آقا می توانند پیشنهادشان را سزود فرمایند.

**مؤید احمدی** - چون نظر به بنده از طرف آقای وزیر عدلیه  
 ناین شد بنده سزود میکنم  
**رئیس** - رأی میکنیم بماده واحد آقایانی که ماده واحد را  
 تصویب می کنند قیام فرمایند (اغاب برخاستند) تصویب  
 شد.

۸۱ - تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه  
 رئیس - آقای وزیر عدلیه .

**وزیر عدلیه** - بنده يك لایحه دارم که تقدیم میکنم  
 برای اینکه برود بکمسیون عدلیه. دیگر اینکه قاضی  
 دارم امروز ولوایکه برای شروع بکار هم باشد خبر  
 کمسیون عدلیه راجع به مجازات علائم و اختراعات جزو  
 دستور امروز والا جزو دستور جلسه آینه باشد و غیر  
 کمسیون را مطرح فرمایند.

۹ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه |  
**رئیس** - قبل از اینکه آقا بشنوند که ماده واحد  
 مطرح بشود جمعی از آقایان پیشنهاد کرده اند که جلسه  
 ختم شود بنا بر این اگر موافقت بفرمائید هر جلسه  
 آینده مطرح شود بعد هم غیر کمسیون بودجه راجع  
 به تهریه جبر احمی و استخدام مسو آندره هر  
**جلسه آینده هم یکشنبه سیزدهم تیر ماه سه ساعت**  
**قبل از ظهر**  
**(مجلس لیساعت بعد از ظهر ختم شد)**  
**رئیس مجلس شورای ملی - دادگر**

## قانون

بکصد و سی پنج هزار تومان اعتبار برای مصارف مربوطه به میزبانی و مخارج واجه بدفع سن  
 ماده واحد - مبلغ یکصد و سی و پنج هزار تومان از محل عایدات ۱۳۱۰ ملکی ( با استثنای حق امتیاز  
 فلز جنوب ) برای مصارف مربوطه به میزبانی و اجرای قانون مصوب ۱۲ آبانماه ۱۳۰۹ راجع به منعم قانون  
 میزبانی و مصارف راجعه بدفع سن بوزارت مالیه اعتبار فوق العاده داده میشود که در ظرف دوره عمل ۱۳۱۰  
 مورد استفاده قرار دهد.

این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه ششم تیرماه یکم هزار و سیصد و ده شمسی بتصویب مجلس  
 شورای ملی رسید  
**رئیس مجلس شورای ملی - دادگر**

## قانون

تعیین تکلیف مال التجاره های وارده تا آخر خرداد ماه ۱۳۱۰ و مال التجاره های موجوده در  
 گمرکخانه های ایران

ماده واحد - از تاریخ تصویب این قانون اداره کل تجارت مجاز است نسبت به مال التجاره هائی که  
 در طول یکی از فقرات ذیل است و تا پانزدهم فروردین ۱۳۱۰ بقصد مستقیم ایران حمل و تا آخر خرداد ۱۳۱۰  
 وارد گمرکخانه شده و نیز تا آخر خرداد ۱۳۱۰ برای ورود آنها درخواست جواز شده باشد در مقابل تصدیق  
 بطور جواز ورود بدهد و بقیه مال التجاره هائی که ورود آنها ممنوع بوده و مشمول یکی از فقرات ذیل نیستند  
 بهروریکه در طرف يك ماه پس از تاریخ تصویب این قانون صاحبان آنها آن اجناس را از گمرکخانه و خاک و آهای  
 داخلی ایران خارج نکرده باشند دولت ضبط نماید

۱ - مال التجاره هائی که تا تصویب متمم قانون انحصار تجارت خارجی ورود آنها ممنوع بوده است .  
 ب - مال التجاره هائی که مطابق ماده ۶ متمم قانون تنظیف انحصار تجارت خارجی ورود آنها موقوف با اجازه کمسیون  
 تنظیف اسما بوده و صاحبان آن اجناس تا هفتم اسفند ۱۳۰۹ تقاضای اجازه خرید اسما از کمسیون مزبور نموده  
 و در درخواست خود تصریحاً ذکر کرده باشند که اسما برای وارد نمودن اجناس مذکوره است و از طرف کمسیون هم  
 اجازه ورود اجناس مزبوره و یا لا اقل اجازه تحصیل اسما آنها داده شده باشد .

این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه ششم تیرماه یکم هزار و سیصد و ده شمسی بتصویب مجلس  
 شورای ملی رسید  
**رئیس مجلس شورای ملی - دادگر**